



یادم هست یک سال، ۱۳ رجب در یکی از دانشگاه‌های هند مراسمی باشکوه در یک سالن سخنرانی بسیار بزرگ بر گزار کردیم. در آن جلسه حضاری از تمام مذاهب و ادیان مختلف شرکت کرده بودند طوری که تمام صندلی‌ها پر شده بود و عده‌ای ایستاده و با شوق به سخنان و کلمات حضرت امیر در نهج‌البلاغه گوش می‌دادند

گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله سیدجمال الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه به مناسبت سالروز میلادامیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام

نهج‌البلاغه را قانون کنیم

اشکان صدیقی روزنامه‌نگار

فردا سیزدهم رجب سالروز میلاد پربرکت مولود کعبه، بهانه مناسبی است تا به موضوع نهج‌البلاغه و جایگاه آن در شؤون مختلف زندگی فردی و اجتماعی خودمان بپردازیم؛ کتابی که کلمه به کلمه آن، یک بنای باشکوه را رقم می‌زند که هر کس به تماشای آن بنشیند، بی‌اختیار در برابر جلالت آن تعظیم خواهد کرد. نهج‌البلاغه کتابی است که سالیان سال توجه اندیشمندان و متفکران را از هر دین و مذهبی به خود معطوف کرده است. برای شرح و نشر و گسترش این کتاب پراهمیت، بزرگان و علمای بسیاری تلاش‌ها و مجاهدت‌های خالصانه‌ای کرده‌اند. یکی از علمای معاصر ما که زندگی خود را وقف نشر معارف نهج‌البلاغه کرد، آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور است. ایشان که محضر اساتید بزرگی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی را درک کرده، از اوایل انقلاب با کمک معنوی و مادی بزرگان انقلاب همچون شهید مطهری و شهید بهشتی اقدام به تاسیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه کرد. این بنیاد در تمام سال‌های بعد از انقلاب تمرکز ویژه خود را به استخراج معارف نهج‌البلاغه و نشر آن معطوف کرده است. آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور در گفت‌وگو با «وطن امروز» ماجرای دلدادگی‌اش به کتاب نهج‌البلاغه را شرح داد. ایشان ضمن بیان دستاوردهای بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه اظهار داشت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نهج‌البلاغه از غربت در محافل فکری و فرهنگی در آمداما همچنان در فرآیند قانو‌نگذاری و اجرا وارد نشده است. فرامین امیرالمؤمنین باید به شکل طرح‌ها و لوایح قانونی وارد فرآیند حکمرانی شود. فراموش نکنیم نهج یعنی راه و روش. زمانی سیدرضی، منتخب خطبه‌ها و کلمات امیرالمؤمنین را به خاطر بلاغت و فصاحتش، نهج‌البلاغه نامید و اکنون ما باید این بیانات را که شاخصه اسلامی بودن یک نظام سیاسی است، نهج‌الحکومه بنامیم، یعنی راه و رسم حکمرانی. متن گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه در ادامه می‌آید.

■ حضرت آیت‌الله! به عنوان نخستین سوال لطفا بفرمایید از چه زمانی به‌صورت جدی نهج‌البلاغه را محور کارهای خود قرار دادید و چه روندی طی شد تا بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه تشکیل شد؟

من از ابتدای دوران طلبگی با کتاب شریف نهج‌البلاغه انس داشتم و کم‌وبیش مطالعه و مذاقه می‌کردم و در عبارات و خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، تدبیر و تفکر می‌کردم. درباره بنیاد نهج‌البلاغه ما باید عرض کنم تشکیل این بنیاد با خیر و برکت متصل به امر الهی و اشاراتی از طرف خود مولا علی (ع) بود. من در اوایل خدمت علامه امینی رسیدم و از ایشان پرسیدم شما چطور به فکر تألیف کتاب‌الغدیر افتادید؟ ایشان گفتند ما سال‌ها نصف درس می‌خواندیم و درس می‌دادیم و در محضر امیرالمؤمنین(ع) بودیم. روزی به حرم مطهر رفته و خدمت حضرت عرضه داشتم آقا ما سال‌هاست در خدمت شماسیم و مشغول تحصیل و تدریس هستیم، اگر امکان دارد یک کاری که مرضی رضای خودتان هست را به ما محول کنید. علامه امینی گفتند وقتی از حرم آمدم بیرون فکر تألیف کتاب‌الغدیر به ذهن بنده خطور کرد. بنده نیز به تالیی از علامه امینی به پرسیدم خطور کرد که جقدر خوب است حضرت امیر کاری را هم به ما محول کنند و لیاقت خدمتی را به محضر ایشان داشته باشم. این نیت را من کردم. روزی سیسال ۵۳ در اتاقی نشسته بودم و همین‌طور بدون فکر و مطالعه با خود کاری که در دست داشتم روی کاغذ نوشتم بنیاد نهج‌البلاغه. دنبال این ایده را گرفتم و در این رابطه شهید مطهری و شهید بهشتی هم کمک‌های بسزایی کردند. تا اینکه سال ۶۰ کار جدی شد و ما درصدد برگزاری یک کنگره به نام کنگره هزاره نهج‌البلاغه بفرامیدم. در واقع تشکیل بنیاد نهج‌البلاغه به عنایت الهی بود و دعای بنده مستجاب شد. ■ به نقش شهید مطهری و شهید بهشتی در تشکیل این بنیاد اشاره فرمودید، اگر امکان دارد در این زمینه بیشتر توضیح بفرمایید

مروح شهید مطهری و مرحوم شهید بهشتی در این زمینه واقعا بسیار مشوق و حامی بودند. حتی شهید بهشتی کمک مالی هم به بنیاد می‌کرد. شهید مطهری یک بار یکی از آقایان را که در خیابان دیده بود به ایشان گفته بود فلائی یک بنیادی برای نهج‌البلاغه ایجاد کرده است، شماو او کمک کنید. به هر حال برای ۲ بزرگوار این تأییدات و توجهات را نسبت به ما و فعالیت‌های ما داشتند و همیشه پشتیبان و دلگرمی‌ای برای کارهای ما بودند. ■ عنایت و توجه امام خمینی و مقام معظم رهبری نسبت به

این بنیاد و فعالیت‌های آن در طول سال‌های پس از انقلاب چه میزان بوده است؟

اولا باید بگویم که مرحوم امام خمینی(ره) در وصیتنامه‌شان به اهمیت و جایگاه نهج‌البلاغه اشاره کرده‌اند و جملات بسیار جالبی در این زمینه دارند. ثابیا وقتی سیسال ۶۰ ما تصمیم به برگزاری کنگره هزاره نهج‌البلاغه گرفتیم، نگران این مساله بودیم که به دلیل شرایط خاصی آن سال و مسائل جنگ تحمیلی و تروهای گروهک‌های مختلف، امام استقبالی از برگزاری این کنگره نکنند. از طرفی فکر کردیم که برگزاری این کنگره بدون پیام امام جلوه و صورت خوبی ندارد، لذا رفتیم خدمت حضرت امام وقتی این مساله را با امام مطرح کردیم ایشان بدون معطلی و بدون اینکه مساله جنگ و تروها را مطرح کنند، فرمودند من برای این کنگره پیام می‌دهم، یک هفته مانده بود به آغاز کنگره و ما درگیر تأمین مقدمات کنگره بودیم که با توجه به ناآرامی‌های آن‌زمان واطمینان بیشتر دوباره خدمت حضرت امام رسیدم و ایشان بدون درنگ گفتند برگزاری کنگره و من هم پیام می‌دهم. امام پیام جانانه‌ای به کنگره ارسال فرمودند و در قسمتی از این پیام خطاب به حضار در این کنگره فرمودند:

«بیتک‌امید آن است که شما دانشمندان و متفکران متعدد که در کنگره حاضر خواهید بود، عرض دارم که این متاعی است که مشتری آن انسان‌ها و مفزهای نورانی است.»

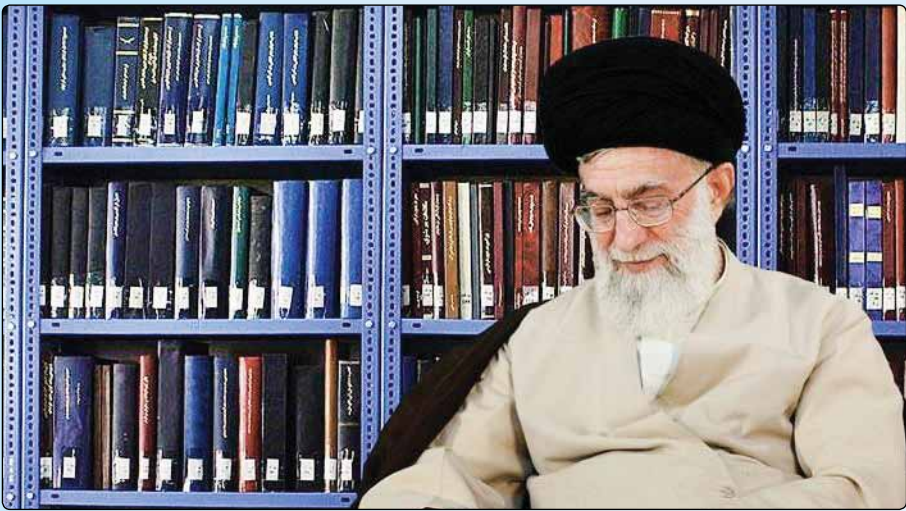
این پیام نورانی امام ما را تشویق و ترغیب کرد که این کار را ادامه دهیم که بحمدالله تا ۱۷ کنگره این کار را ادامه دادیم. این پیام امام و تشویق‌های ایشان نشان از این دارد که جقدر ایشان به نهج‌البلاغه اعتقاد و عنایت داشتند. مقام معظم رهبری نیز از همان آغاز مشوق ما بودند و حتی با وجود مسئولیت سنگینی که داشتند در ۳ کنگره ما در دهه ۶۰ شرکت کردند. در کنگره اول که سیسال ۶۰ برگزار شد ایشان تحت عنوان حکومت در نهج‌البلاغه سخنرانی علمی فوق‌العاده‌ای کردند. در کنگره چهارم که سال ۶۲ برگزار شد ایشان تحت عنوان

نگاهی به ویژگی‌های دوران زمامداری علی(ع) نیز سخنرانی جالبی داشتند. همچنین در کنگره پنجم که سال ۶۴ و در حسینیه ارشاد برگزار شد، شرکت کرده و تحت عنوان لزوم گسترش تعلیمات نهج‌البلاغه در جهان اسلام به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان با عشق و علاقه‌ای خاصی تشریف می‌آوردند و ما و مردم را نسبت به مطالعه و فعالیت پیرامون نهج‌البلاغه تشویق می‌کردند.

■ بنیاد نهج‌البلاغه در فضای بین‌الملل و از تباط و سایر فرق و ادیان فعالیت‌هایی جهت نشر آموزه‌های نهج‌البلاغه داشته است. باز خورد و واکنش غیر شیعیان و غیر مسلمانان در مواجهه با تعلیم نهج‌البلاغه و شخصیت امیرالمؤمنین چگونه بوده است؟

ما در این کنگره‌هایی که برگزار می‌شد از شخصیت‌های مختلف در کشورهای مختلف با عقاید و مذاهب متنوع دعوت می‌کردیم. عیب بود که در این ۱۷ کنگره که از اهل سنت و مسیحیت و سایر فرق و ادیان دعوت می‌شد، یک نفر به ما اعتراض نکرد که شما بین مذاهب اختلاف‌افکنی می‌کنید، بلکه همه استقبال می‌کردند و این کنگره‌ها خیلی موثر بود. یکی از دانشمندان پاکستانی که از اهل تسنن بود بعد از برگزاری یکی از کنگره‌ها آمد پیش من و گفت می‌خواهم چند دقیقه با شما صحبت کنم. گفتم بفرمایید. گفت من از امروز دیگر سنی نیستم، این کنگره و این مطالب به فکری جالب بود که من تحت تاثیر قرار گرفتم. هر دفعه که غیر شیعیان را به کنگره دعوت می‌کردیم، اینها از کلمات حضرت در نهج‌البلاغه تعجب می‌کردند و با اشتیاق مطالب را پیگیری می‌کردند. یادم هست یک سال، ۱۳ رجب در یکی از دانشگاه‌های هند مراسم داشتیم، باشکوه در یک سالن سخنرانی بسیار بزرگ که شاید ۲ یا ۳ برابر سالن حسینیه ارشاد بود، برگزار شد. در آن جلسه باعظمت تمام مذاهب و ادیان مختلف مثل مسیحی، هندو و... شرکت کرده بودند طوری که تمام صندلی‌ها پر شده بود و عده‌ای ایستاده به سخنان و کلمات حضرت امیر در نهج‌البلاغه گوش می‌دادند و این برای ما بسیار جالب بود. سخنان و کلمات حضرت امیر برای هر ملت و مذهب بسیار جذاب است و گویا شغای دردهای خودشان را در این کلمات پیدا می‌کنند.

نهج‌البلاغه در کلام امامین انقلاب



ما نمی‌آید. متأسفانه روی این مساله تبلیغ نشده، آدر حالی که اُ روی کتاب‌های درجه ۲ و درجه ۳ و درجه ۴ این همه تبلیغ می‌شود! و اگر به یک کتاب درجه ۲ و ۳ مثلا کمترین بی‌اعتنایی از طرف بعضی شود، شاید عده‌ای مثلا در حد کفر تلقی کنند! ما نسبت به اُ این کتاب شریف نه‌».
ایشان در پنجمین کنگره بین‌المللی نهج‌البلاغه که سال ۶۴ بر گزار شد، با بیانی دردمندانه به فاصله فهم و عمل جامعه با نهج‌البلاغه و مهم‌جوریت این کتاب شریف اشاره فرمودند: ما زمان بسیاری را با عدم ارتباط با نهج‌البلاغه گذرانده‌ایم. باید

یادم هست یک سال، ۱۳ رجب در یکی از دانشگاه‌های هند مراسمی باشکوه در یک سالن سخنرانی بسیار بزرگ بر گزار کردیم. در آن جلسه حضاری از تمام مذاهب و ادیان مختلف شرکت کرده بودند طوری که تمام صندلی‌ها پر شده بود و عده‌ای ایستاده و با شوق به سخنان و کلمات حضرت امیر در نهج‌البلاغه گوش می‌دادند

گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله سیدجمال الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه به مناسبت سالروز میلادامیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام



■ یکی از عاشقان غیرمسلمان نهج‌البلاغه و شخصیت امیرالمؤمنین، جورج جرداق مسیحی است. آیا با ایشان نیز در رابطه با برگزاری کنگره‌ها ارتباط و مراوده‌ای داشتید؟

ما جرج جرداق را برای همه کنگره‌ها دعوت می‌کردیم ولی ایشان به دلیل اینکه نمی‌توانست سوار هواپیما شود، امکان حضور در کنگره‌ها را پیدا نکرد اما حدود ۱۰ سال پیش که تشریف آورد ایران، در وزارت امور خارجه ملاقاتی با ایشان داشتیم. در آن جلسه مشهود بود که ایشان واقعا عاشق امیرالمؤمنین است. اعتقاد زیاد ایشان به امام علی در سخنان‌شان مشخص بود و سخنان امام، ایشان را مجذوب خودش کرده بود.

■ همان‌گونه که مستحضرید کتاب شریف نهج‌البلاغه بعد از قرآن کریم، اصلی‌ترین کتاب مبنایی در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. آیا به نظر شما نهج‌البلاغه جایگاه حقیقی خودش را در حکمرانی و جامعه ما دارد یا ما با جایگاهی که شأن این کتاب عظیم باشد فاصله داریم؟

ابتدا باید عرض شود در قدم اول پس از انقلاب، نهج‌البلاغه از غربتی که پیش از انقلاب داشت درآمد و در حوزه و دانشگاه بیشتر از قبل به این کتاب عظیم توجه می‌شود. هر سال تعدادی کتاب و صدها مقاله در زمینه نهج‌البلاغه نگاشته و منتشر می‌شود. ما در برنامه جایزه جهانی کتاب نهج‌البلاغه در بین صدها کتاب بهترین‌ها را معرفی می‌کنیم. بعد از انقلاب با تلاش‌هایی که شد نهج‌البلاغه در مدار فرهنگی کشور قرار گرفت اما این مرحله اول بود و ما نباید در این مرحله متوقف بمانیم. الان در کشور ما جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی تشکیل شده است و نهج‌البلاغه در بین منابع دینی ما در اوج هست، چرا که در زمان امام صادر شده است. ما باید در نهج‌البلاغه دقیق شویم و دستورات و فرمان‌های امام علی(ع) باید در چرخه قانون‌گذاری و اجرا وارد شود و این راهی ندارد جز اینکه نهج‌البلاغه در قالب طرح و لایحه در مجلس قانون‌گذاری ما مطرح شود. بویژه مرکز امام علی در زمینه مالیات طرح و برنامه دارند. اینها باید روی این فرامین و دستورات کار کنند و آنها را تبدیل به لایحه و قانون کنند و دولت آن را اجرا کند. اگر ما بعد از تشکیل حکومت اسلامی نهج‌البلاغه را وارد مجلس، دولت و قوه قضائیه نکنیم، هر کاری بکنیم اری است ناقص و ناتمام. اگر به مرحله اجرای نهج‌البلاغه در جامعه و حکومت نرسیم در واقع به هدف اصلی نرسیده‌ایم و در نیمه‌راه مانده‌ایم. امیدوارم دولت و مجلس و سایر نهادهای نظام هم وظایف خودشان را در این زمینه انجام دهند.

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۹
وطن امروز | شماره ۳۱۵۶
گفت‌وگو

نگاه

خوشنوی از دستورات امیرالمؤمنین

در عهدنامه مالک‌اشتر

مترقی‌ترین منشور حکمرانی

مرور و بازخوانی نامه حکومتی حضرت امیر به مالک اشتر در عصری که بشر طعم مدل‌های مختلف حکمرانی غیراسلامی را چشیده است و تشنه یک حکمرانی به سبک و شیوه امیرالمؤمنین است، به نظر لازم و ضروری می‌آید. به جرأت می‌توان گفت بیشترین توجه به حقوق مردم و کرامت انسان‌ها و مردم‌سالاری حقیقی را می‌توان در این منشور حکومتی یافت. به عبارت دیگر عهدنامه مالک اشتر را می‌توان مترقی‌ترین منشور حکمرانی نامید.

عهدنامه مالک اشتر به صندوقچه‌ای مملو از مروارید گرانبها می‌ماند که انتخاب چند مروارید از آن همه، کار بسیار دشواری است. به هر طریق و با هر سلیقه‌ای این انتخاب انجام شود، باز حسرت عدم انتخاب سایر مرواریدها قلب انتخابگر را فرسا می‌گیرد. اما چاره چیست که محدودیت دست انسان را می‌بندد و راهی جز اشاره‌ای کوتاه به فرازهایی از این گنجنامه اخلاقی حکومتی بر ما نمی‌گشاید.

■ با مردم مهربان باش چرا که یا مسلمانند یا انسان! محصور کردن این نامه به شیعیان و حتی مسلمانان ظلمی است بزرگ در حق امیرالمؤمنین، چرا که حضرت شیوه راستین حکمرانی انسانی را تعلیم می‌دهند. آنجا که می‌فرمایند: «ای مالک! مهربانی با رعیت و دوست داشتن و لطف ورزیدن به ایشان را شعار قلیت قرار داده و با تاکید به تو سفارش می‌کنم که همچون درنده‌ای خونخوار مباش که خوردن گوشت ایشان را غنیمت شماری که براستی آنان ۲ دسته‌اند: یا در دین برادر تواند یا انسانی هستند از جهت خلقت همانند تو، که ممکن است پایشان بلغزد و خطایی از آنها سر بزند و به عدد یا اشتباه، عملی ناصحیح مرتکب شوند.»

■ تسلطی بر مردم نداری

امیر مومنان در جای جای این نامه به مالک اشتر هشدار می‌دهند به واسطه قدرت و مسؤولیتی که نصیبش می‌شود، وهم برتری و نفوق و تسلط بر مردم را به خود راه ندهد و پیوسته خدا را که از همه برتر است در نظر داشته باشد: «به تو سفارش می‌کنم پیش خود مگو که امور این مردم به من سپرده شده و تسلط



دارم، فرمانروا هستم و همه از من فرمان می‌برند که براستی این گمان‌های باطل، موجب فتنه‌ای در دل و فرسادی در دین و نزدیک کردن دگرگونی‌ها و زوال نعمت می‌شود و چون چیرگی و قدرتی که داری، تکبر و خودپسندی در تو ایجاد کند و خود را بزرگ پنداشتی، پس در چنین حالی در عظمت ملک خداوندی که بالاتر از تو است، بیندیش.»

■ ستم به مردم، جنگ با خداست

حضرت در تعبیری شگرف و قابل تأمل مالک را از ستم به بندگان خدا بر حذر می‌دارند و او را به رعایت عدالت در بین مردم امر می‌کنند: «انصاف را رعایت کن و جانب عدل را فرو مگذار، که براستی اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای و هر که به بندگان خدا ستم روا دارد، گذشتۀ او مردم، خدا نیز خصم و طرف دعوای او است و هر کس که خدا خصم او باشد، حجت و دلیل او را باطل می‌آئز می‌کند و همچون کسی است که با خدا در حال جنگ است. تا آن زمان که از اعمال خود دست بر دارد، توبه کند و ابدان که ا هیچ چیزی مانند به پا داشتن ظلم، نعمت خدا را نسبت به انسان دگرگون نمی‌کند.»

■ مردم ستون دین هستند

ومی پیامبر عظیم‌الشان اسلام رضایت و خشنودی توده‌های مردم را بر خشنودی خواص ترجیح می‌دهند و مالک را به توجه و تکیه بر توده‌های مردم به جای خواص و افراد سرشناس ترغیب می‌کنند: «ناخشنودی و دشمنی عامه، اثر خشنودی خواص را از میان می‌برد و براستی ناخشنودی و دشمنی خواص، در حالی که عامه مردم راضی باشند، به چیزی شمرده نمی‌شود و اثری ندارد.

مردم مانند خواص نیستند. [اخصاوص] هنگام آرامش و زمان صلح خرج‌شان از همه بیشتر و در موقع ناآرامی و جنگ یاری و کمک‌شان از همه کمتر است، بیشتر از همه مردم مخالف عدل و انصافند و از آن کراهت دارند، نسبت به خواسته‌های خود، بیش از هر کس با باشند و اصرار و ابرام می‌کنند و هنگامی که درخواست‌شان بر آورده شود یا عطایی به آنها شود، از همه کس ناسپاس‌ترند و چون از اتمام آنچه خواسته‌اند، خودداری شوند، کندترین مردمند از جهت قبول عذر، و در ناملاتمامی و سختی‌ها، ضعیف‌ترین و ناشکیب‌ترین مردم هستند.

او اما عامه مردم] همانا ستون دین و جامعه مسلمانان و آماده برای نبرد با دشمنان عامه امت اسلام هستند، بنابراین باید توجه و میل تو با ایشان بوده باشد و به سخنان آنان گوش فرا داری.»

■ حق گویان منتقد را نزدیک و چابپلوسان را دور نگه دار
سرور امیران عالم، بر خلاف عرف سیاسی جهان و سیره سیاستمداران عالم، توصیه‌ای بی‌نظیر به مالک می‌کنند: «باید برگزیده‌ترین ایشان [بازوفان] در نزد تو آن کس باشد که سخن حق را که به مذاق‌ها تلخ می‌آید، بیشتر از دیگران به تو بگوید و نیز کسی باشد که در کاری که از تو سر می‌زند، از آن کارهایی که خداوند از دست‌ناش زشت می‌شمارد، کمتر تو را یاری دهد. به باکدامنان و راستگویان بسیار نزدیک شو، آنگاه ایشان از عادت ده که در صد چابپلوسی تو بر نیایند و تو را با بیان کارهایی که نکرده‌ای، به دروغ خشنود نکنند، که براستی چابپلوسی زیاد و بی‌دربی، تکبر و خودخواهی در انسان پدیدار می‌کند و غرور را به او نزدیک می‌کند.»